



انتقامگیری‌های زنانه در شبکه‌های اجتماعی گسترش یافته است

انتقام‌های مجازی

فضای مجازی با همه مزایایی که دارد، گاهی دردسرساز می‌شود و اتفاقاتی در آن رخ می‌دهد که تادمات‌ها کام‌زدگی‌ها را زهر می‌کند. در یکی از این اتفاقات که در استان گلستان رخ داد، دودختر هم‌کلاسی درگیر چنان ماجرای شدنی که در نهایت با دستگیری یکی از آنان توسط پلیس ختم به خیر شد.

لیلا حسین زاده
تپش

نسرین و عاطفه دو هم‌کلاسی بودند که رابطه خوب آنها زیان‌زد خیلی‌ها بود، اما همه چیز آن‌طور که همه فکرشان را می‌کردند، پیش نرفت. یک روز که نسرین مشغول درس خواندن بود، تلفن همراهش زنگ خورد. شماره‌هایی که روی صفحه گوشی می‌دید، همه ناشناس بود. هر شماره‌ای که قطع می‌شد، پشت سر پسران دیگری زنگ می‌زدند و از او درخواست‌های غیراخلاقی داشتند.

نسرین که از وضعیت پیش‌آمده وحشت کرده بود، متوجه شد شماره تلفن و عکس و فیلم‌های بسیار خصوصی او در یک کانال تلگرامی مستهجن پخش شده است.

هر روز که می‌گذشت پسران و مردان بیشتری با او تماس می‌گرفتند. تعداد تماس‌ها آنقدر زیاد شده بود که نسرین آرامشش را بطور کامل از دست داده بود و نمی‌توانست روی درس‌هایش تمرکز کند. نسرین که از این شرایط جان‌به‌لب شده بود به پلیس فتا مراجعه کرد و موضوع را با ماموران در میان گذاشت. با شکایت نسرین، تیمی از کارشناسان پلیس وارد عمل شده و بعد از انجام تحقیقات تخصصی و اطلاعاتی متوجه شدند کسی که آن صفحه غیراخلاقی تلگرامی را راه‌اندازی کرده است، کسی نیست جز همان دوست صمیمی نسرین. عاطفه را پس از

دستگیری با نسرین روبه‌رو کردند. نسرین که باورش نمی‌شد صمیمی‌ترین دوستش این چنین به آبرویش چنگ انداخته باشد، از عاطفه علت کارش را پرسید و او هم گفت که به خاطر به هم خوردن دوستی‌شان، کینه نسرین را به دل گرفته و تصمیم گرفته بود از او انتقام بگیرد، اما در نهایت آنچه نصیبش شد گره خوردن دستبند فولادی به دستانش بود.

می‌خواستم با من ازدواج کند

در ماجرای دوم، باز هم زنی، قربانی کینه‌جویی‌های زنانه دیگری شد. ماجرا را از زبان سپیده بخوانید: «مدتی بود که در یکی از کانال‌های تلگرام، عکس‌ها، مطالب و صحبت‌های غیراخلاقی در مورد من منتشر می‌شد که بسیار زننده بود. فردی دائم به من تهمت‌های بدی می‌زد و ادعا می‌کرد زنی هستم که با مردان غریبه رابطه برقرار می‌کنم. خواندن این مطالب ناراحت‌م کرده بود و نمی‌دانستم چه کسی و چرا این ادعاها را در مورد من مطرح می‌کند. هیچ نام و نشانی از صاحب کانال نداشتم. به پلیس فتا مراجعه کردم و بعد از طرح شکایت، از آنها کمک خواستم.»

با ورود کارشناسان پلیس فتا به پرونده سپیده با موضوع هتک حیثیت در کانال

تلگرامی و انجام تحقیقات فنی و اطلاعاتی، متهم که یکی از اقوام نزدیک شاکی بود، دستگیر و به اداره پلیس منتقل شد تا در مورد انگیزه خود از ارتکاب این جرم توضیح دهد.

سیمین در اعترافات خود گفت: «از مدت‌ها پیش به پسری علاقه‌مند بودم و بسیار مایل بودم با او ازدواج کنم، اما به دلیل این که او خواستگار سپیده شده بود، بسیار ناراحت شده و به دنبال راهی برای گرفتن انتقام بودم. برای همین یک صفحه جعلی تلگرامی ایجاد کردم تا از آن زن انتقام بگیرم و او را از پسر مورد علاقه‌ام دور کنم.»

محلی برای انتقامگیری

مدتی است فضای مجازی به محلی برای انتقامگیری تبدیل شده و این انتقامگیری‌ها جنس و سن نمی‌شناسد. مجرمان با تصور این که هیچ مشکلی برای آنها پیش نمی‌آید و شناسایی نمی‌شوند در این فضا انتقام می‌گیرند. زنان نیز این فضا را و در این مسیر همپای مردان حرکت می‌کنند.

رئیس پلیس فتای استان کردستان در این باره می‌گوید: انتشار اطلاعات خصوصی دیگران در فضای مجازی جرم است و با منتشرکنندگان برابر قانون جرایم رایانه‌ای برخورد خواهد شد.

شهروندان باید دقت کنند که به راحتی اطلاعات خصوصی اعم از عکس و فیلم خود را در اختیار دیگران قرار ندهند یا در فضای مجازی به اشتراک نگذارند تا زمینه سوءاستفاده توسط افراد مجرم فراهم نشود.

بارها گفته‌ایم فضای مجازی محلی برای قرار دادن عکس و اطلاعات خصوصی نیست و باز هم روی این موضوع تاکید می‌کنیم.

شهروندان در صورت رو به رو شدن با موارد مشکوک در فضای مجازی آن را از طریق سایت پلیس فتا به نشانی www.CyberPolice.ir و بخش فوریت‌های سایبری و گزارش مردمی اطلاع‌رسانی کنند.



شهروندان در صورت

رو به رو شدن با

موارد مشکوک در

فضای مجازی آن

را از طریق سایت

پلیس فتا به نشانی

www.CyberPolice.ir.

ir و بخش

فوریت‌های سایبری

و گزارش مردمی

اطلاع‌رسانی کنند



من بدشانس‌ترین دزدم!

شاید بتوان لقب یکی از بدشانس‌ترین دزدان را به او داد. البته قطعاً نباید تلاش پلیس و تیزهوشی افسر پرونده را نیز در نظر گرفت. سارق جوان که هنگام فروش خودروی سرقتی به پلیس بازداشت شده است در گفت‌وگو با تپش از سرقت‌هایش و نحوه دستگیری‌اش می‌گوید.

به چه جرمی بازداشت شدی؟

سرقت خودرو. البته کارم این نبود، به خاطر بیماری مادرم مجبور شدم دزدی کنم. وگرنه من کجا و دزدی! اگر کارم را خوب بلد بودم که به دام نمی‌افتادم.

چی سرقت کردی؟

خودرو. برایم فرقی نداشت چه مدلی باشد، چهار تا چرخ را داشته باشد دیگر فرقی نمی‌کرد.

چرا برایت فرقی نداشت؟

با این اوضاع و احوال، گاری هم بخواهی بفروشی خریدار دارد. چه برسد به خودرو که خریدارهایش زیاد است.

خودروها را چطور سرقت می‌کردی؟

با ورتان می‌شود خود مالباخته‌ها خودرویشان را بدون هیچ زحمتی در اختیارم قرار می‌دادند.

چطوری خودرویشان را در اختیار قرار می‌دادند؟

وقتی که شخص ماشین روشن با سوئیچ را رها می‌کند و برای خرید وارد مغازه می‌شود. این کار چه معنی می‌تواند داشته باشد. یعنی دزد محترم تشریف

بیاورید و خودروی مرا ببرید. وگرنه بچه هم وسایلش را به این صورت در خیابان رها نمی‌کند. تازه این را هم باید در نظر بگیریم که کلی در رسانه‌ها هم سفارش شده که این کار را انجام ندهید اما باز هم بی‌فایده است. خلاصه این که خودروهایی که رویشان سوئیچ قرار داشت را انتخاب می‌کردم و سوارشان می‌شدم. تا صاحب خودرو از مغازه بیرون می‌آمد من از آنجا دور شده بودم.

با خودروها چه می‌کردی؟

با دوتا از خودروها مسافرکشی کردم. من آدم بدشانسی هستم و دزدی به من نیامده است.

چرا این حرف را می‌زنی؟

برایتان تعریف می‌کنم. دو ماشین اولی را که آنها کارکنم. از بس که هنگامی که با آنها می‌شدم. من هم به ناچار رها کنم.

چرا به تعمیرگاه نمی‌روید؟

به تعمیرگاه می‌بردم که ببایید مرا دستگیر کنید. ماشین تعمیرکنم که

چطور دستگیرش

این موضوع اوج بدش

خودرو